

مجله اقتصادی

شماره‌های ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۹۶، صفحات ۱۴۱-۱۳۳

## بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و تأخیر در گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

غلامحسین ذهبی

کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزکوه

f.zahabi72@gmail.com

پروانه سلاطین

استادیار، گروه اقتصاد، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی

Par\_salatin@yahoo.com

اجتناب مالیاتی را استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی به منظور کاهش مقدار مالیات قابل پرداخت به وسیله ابزارهایی که در قانون وجود دارد، تعریف می‌کنند. اجتناب از پرداخت مالیات، فعالیتی ارزش‌زا است و یک جریان نقدی را به درون شرکت ایجاد می‌کند و معنای مشابهی با فعالیت‌های جسورانه مالیاتی، برنامه‌ریزی مالیاتی و مدیریت مالیات دارد. در این راستا هدف اصلی این مقاله بررسی میزان تأثیرگذاری اجتناب مالیاتی بر تأخیر در گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نتایج حاصل از برآورد مدل با استفاده از روش اثرات ثابت در ۴۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۸ نشان می‌دهد نرخ مؤثر مالیاتی به عنوان شاخص اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت اقلام تعهدی به عنوان شاخص تأخیر گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. با افزایش نرخ مؤثر مالیاتی، شرکت‌ها تأخیر بیشتری در گزارشگری مالی خواهند داشت. واژگان کلیدی: اجتناب مالیاتی، گزارشگری مالی، نرخ مؤثر مالیاتی، کیفیت اقلام تعهدی، اثرات ثابت.

## ۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین روش‌های تأمین مخارج دولت، جمع‌آوری و وصول انواع مالیات است. صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند که کسب درآمدهای مالیاتی به منظور تأمین هزینه‌های دولت، شاخص‌های نامطلوب اقتصادی مانند تورم، بیکاری را بهبود می‌بخشد. در کشورهای در حال توسعه، سهم درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص ملی رقم ناچیزی است و سهم پرداخت‌های دولت نسبت به تولید ناخالص ملی همواره بیش از سهم مالیات‌ها است (پورزمانی، ۱۳۸۸). وجود مالیات بر درآمد شرکت‌ها سبب کاهش عایدات واحدهای تجاری می‌گردد. بنابراین یکی از اقداماتی که می‌تواند در جهت حداکثر ساختن ارزش شرکت و ثروت سهامداران انجام پذیرد، استفاده از راهکارهایی است که از طریق آن‌ها مالیات پرداختی کاهش یابد. اجتناب مالیاتی به عنوان راهکار کاهش میزان مالیات تعلق گرفته به سود حاصل از عملکرد واحدهای تجاری تعریف می‌شود. اجتناب مالیاتی شامل زنجیره‌ای از فعالیت‌ها، برنامه‌های استراتژیک کاملاً قانونی و پیش‌رونده در اخذ معافیت مالیاتی است که باعث به وجود آمدن فضای خاکستری در ارائه اطلاعات و گزارش‌های مالی و مالیاتی به افراد برون‌سازمانی می‌گردد (حانلون و هیتزمان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹).

در ادبیات مالی، تلاش‌ها و راهکارهای قانونی شرکت‌ها به منظور کاهش هزینه مالیاتی را با نام‌های متفاوتی از قبیل مدیریت مالیات، اجتناب از پرداخت مالیات و رویه مالیاتی جسورانه می‌شناسند. فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات به ابزارهای صرفه‌جویی مالیات اطلاق می‌شود که منابع را از دولت به سهام‌داران انتقال می‌دهد و بنابراین ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد (دسای و دارماپالا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹).

همچنان که اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش دهد، از سوی دیگر، به دلیل تضاد منافع بین مدیران و سهام‌داران، می‌تواند در فعالیت‌های شرکت ابهام ایجاد کند و زمینه را برای انحراف منافع توسط مدیران مهیا کند که در صورت وجود انگیزه‌های پاداشی برای مدیران، این مسئله می‌تواند کاهش یابد. برنامه‌های اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند صرفه‌جویی مالیاتی را برای شرکت به همراه داشته باشد. با این حال، همواره این احتمال وجود دارد

1. Hanlon, M., J. Hoopes, and N. Shroff.  
2. Desai, M. & Dharmapala, D

که به سبب برنامه ریزی های جسورانه مالیاتی که در جهت پنهان کردن حقایق به منظور جلوگیری از کشف شدن توسط مأموران مالیاتی انجام می شود، ابهام فعالیت های مالی شرکت ها افزایش یابد (پورحیدری، ۱۳۹۲).

در این راستا هدف اصلی این مقاله بررسی میزان تأثیرگذاری اجتناب مالیاتی بر تأخیر در گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۲ و آزمون فرضیه زیر است.

- اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری بر تأخیر گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.

ابزار گردآوری اطلاعات مورد نیاز بانک های اطلاعاتی سازمان بورس اوراق بهادار تهران، سایت اینترنتی این سازمان و نرم افزارهای سهام مانند نرم افزار ره آورد نوین می باشند. جامعه آماری در این مقاله تمام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که از ابتدای فروردین ۱۳۸۸ تا پایان اسفند ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران فعال بوده اند. نمونه آماری با استفاده از روش نمونه گیری حذفی و با اعمال شرایط زیر انتخاب شده است؛ به این صورت که شرکت هایی که دارای ویژگی های زیر بودند، انتخاب شدند:

- شرکت هایی که تا پایان سال ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.  
- در زمره شرکت های سرمایه گذاری و واسطه گری مالی به دلیل متفاوت بودن ماهیت فعالیت آن ها قرار نگرفته باشند.

- سال مالی آن ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد و در دوره مورد نظر تغییر سال مالی نداده باشند.  
- اطلاعات مورد نیاز برای انجام این مقاله در آن ها وجود داشته باشد.

در ادامه پس از بررسی مبانی نظری و سابقه پژوهش، ساختار مدل مورد استفاده معرفی و برآورد می شود و در نهایت نتیجه گیری و پیشنهادها ارائه می گردد.

## ۲. مبانی نظری

کیفیت گزارشگری مالی را می توان به صورت توانایی صورت های مالی در انتقال اطلاعات عملیات شرکت و به طور خاص پیش بینی جریان های نقدی مورد انتظار آن به سرمایه گذاران تعریف نمود (مدرس و حصارزاده، ۱۳۸۷). یک استاندارد حسابداری دارای کیفیت بالا، گزارشگری مالی را از

طریق تقویت توانایی استفاده‌کنندگان در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری و اعتباری بهبود می‌بخشد (ثقفی و ابراهیمی، ۱۳۸۸). کیفیت اطلاعات حسابداری و گزارشگری مالی، محصول مشترک حداقل چهار عامل اصلی خلاقیت و نگرش‌های مدیریت، کیفیت حسابرسی، تجربه کمیته حسابرسی و استانداردهای حسابداری دارای کیفیت بالا است. وجود ضعف در هر یک از این چهار حلقه، می‌تواند کل زنجیره را مخدوش سازد. محققان دقت اطلاعات مالی را به عنوان معیار اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی مورد استفاده قرار داده‌اند که بیانگر توانایی اجزای سود تعهدی حسابداری (تحت شرایط انعطاف‌پذیری و اختیار عمل در انتخاب از میان رویه‌ها و برآوردهای حسابداری) در پیش‌بینی جریان‌های نقدی مورد انتظار آینده است. بنابراین بالا بودن دقت و توان پیش‌بینی‌کنندگی اجزای سود تعهدی از شاخص‌های تعیین محتوای اطلاعاتی و کیفیت بالای گزارشگری مالی است (ثقفی، ابراهیمی، ۱۳۸۸). گروهی دیگر از محققان برای بررسی کیفیت گزارشگری به کیفیت سود و یا پایداری آن رجوع می‌کنند. پایداری به معنی توانایی واحد تجاری به حفظ سطح سودآوری فعلی در بلندمدت است، به عبارت دیگر سطح سودآوری فعلی شاخص خوبی از سودهای آتی باشد. زمانی کیفیت سود بالاست که کیفیت ارقام تعهدی بالا و ضرایب پایداری سود، قابل توجه باشد.

به‌موقع بودن گزارش‌های مالی نیز یکی از مهم‌ترین ارکان کیفیت ارائه اطلاعات مالی شرکت‌هاست، چراکه بهنگام بودن اطلاعات می‌تواند به استفاده بهتر و مفیدتر استفاده‌کنندگان اطلاعاتی منجر شود. سرعت گزارشگری، به معنای میزان تأخیر زمانی در ارائه گزارش‌های مالی شرکت‌ها باید مورد توجه ویژه تهیه‌کنندگان گزارش‌های مالی باشد. افزایش سرعت گزارشگری به دلیل استفاده به‌موقع اطلاعات در اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی توسط سرمایه‌گذاران می‌تواند به شفافیت بیشتر اطلاعات مالی شرکت‌ها و به تبع آن شفافیت بالاتر بازار سرمایه منجر شود. از آنجا که گزارش‌های مالی، ابزاری برای افشای اطلاعات مالی قابل اعتماد و قابل اتکا است که در دسترس عموم قرار می‌گیرد، در صورت بهنگام بودن می‌تواند از طریق کاهش اطلاعات خصوصی و محرمانه سبب کاهش احتمال انتخاب نادرست توسط سرمایه‌گذاران شود. بنابراین، می‌توان چنین پنداشت که ارائه اطلاعات به‌موقع‌تر سبب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان سرمایه‌گذاران خواهد شد (مهدوی و جمالیان‌پور، ۱۳۸۹).

مطالعات زیادی نشان می‌دهد که پیروی از استانداردهای حسابداری به تنهایی نمی‌تواند کیفیت صورت‌های مالی و اقلام مندرج در آن را تضمین کند. زیرا عوامل دیگری نیز بر روی کیفیت صورت‌های مالی و گزارشگری مالی تأثیر دارند. صورت‌های مالی تهیه‌شده توسط یک واحد اقتصادی علاوه بر استانداردهای حسابداری، تحت تأثیر عوامل متنوعی قرار دارد. یکی از این عوامل اجتناب مالیاتی است.

از انگیزه‌های اصلی اجتناب مالیاتی توسط مدیران، تحقق هدف حداکثرسازی ثروت سهام‌داران است. افزون بر این، در بسیاری از مواردی که طرح‌های پاداش برای مدیران و گردانندگان شرکت در نظر گرفته می‌شود، بخشی از این طرح‌ها مبتنی بر معیارهای عملکرد شرکت هستند. معیارهایی که برخی از آن‌ها به میزان سود شرکت و میزان جریان‌های نقدی آزاد بستگی دارد. از این رو می‌توان انتظار داشت که مدیران در راستای تحقق پاداش‌های در نظر گرفته‌شده از جانب سهام‌داران برای آن‌ها، انگیزه زیادی برای اجتناب مالیاتی داشته باشند؛ زیرا اجتناب مالیاتی در نهایت به افزایش سود خالص و کاهش جریان‌های نقدی خروجی ناشی از مالیات منجر می‌شود.

به طور کلی دو دیدگاه در مورد فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات وجود دارد؛ دیدگاه نخست این است که مدیران با هدف کاهش تعهدات مالی شرکت و صرفه‌جویی وجه نقد، فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات را انجام می‌دهند. بنابراین از منظر سرمایه‌گذاران، اجتناب از پرداخت مالیات افزایش‌دهنده ارزش شرکت است و مدیران برای به کار بستن چنین فعالیت‌هایی باید تشویق شوند و پاداش بگیرند. مثالی از فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات، تحقیق فلیپس (۲۰۰۳) است که تشریح کرد پاداش دادن به مدیران واحدهای تجاری بر مبنای سود پس از مالیات، کاهش‌دهنده نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌هاست. بر اساس این دیدگاه، صرفه‌جویی ناشی از فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند منابع مالی ارزشمندی برای ضعف مالی شرکت باشد و تأمین مالی از طریق بدهی یا وجه نقد را کاهش دهد (کیم و دیگران،<sup>۱</sup> ۲۰۱۰).

دیدگاه دوم به مسئله نمایندگی مربوط می‌شود که در این حالت، اجتناب از پرداخت مالیات به عنوان ابزار ایجاد سپر برای فرصت‌طلبی و انحراف منافع توسط مدیران است (نظریه فرصت‌طلبی

مدیریتی<sup>۱</sup>. دسای و دارماپالا (۲۰۰۶)<sup>۲</sup>، رفتار اجتناب از پرداخت مالیات را با در نظر گرفتن تضاد منافی که در نتیجه جدایی مالکیت و کنترل و استراتژی اجتناب از پرداخت مالیات ایجاد می‌شود، مورد بررسی قرار دادند. این محققان بیان کردند که استراتژی‌های اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق است که این کار با هدف کاهش میزان مالیات از طریق پنهان کردن حقایق از میزان مالیات صورت می‌پذیرد. در نتیجه، اثر معکوسی بر محیط اطلاعاتی شرکت دارد و به مدیران اجازه می‌دهد منافع را از شرکت خارج کنند و این پرسش را مطرح کردند که از آنجا که استراتژی جسورانه مالیاتی رابطه مکملی با منحرف کردن منافع توسط مدیران دارد، منافع خالصی را برای شرکت ایجاد می‌کند؟ به میزانی که رویه‌های جسورانه مالیاتی پنهان کردن حقایق به منظور جلوگیری از کشف شدن توسط مأموران مالیاتی را در بر می‌گیرد، می‌تواند ابهام شرکت را افزایش دهد. کیفیت گزارشگری مالی و سیاست افشا بر میزان شفافیت شرکت تأثیر می‌گذارند. رویه‌های جسورانه مالیاتی سبب پنهان کردن حقایق و افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران شرکت و سرمایه‌گذاران خارجی از طریق محدود کردن افشا می‌شوند. فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند ابزارهایی برای رفتار فرصت‌طلبانه مدیریتی فراهم آورد که این ابزارها شامل دست‌کاری سود، معاملات با اشخاص وابسته و سایر فعالیت‌های منحرف کردن منابع است. کیم و همکاران، (۲۰۱۰) دریافتند که فرار مالیاتی آثار منفی بر محیط اطلاعاتی و گزارشگری شرکت دارد. این موضوع به مدیران امکان می‌دهد تا در راستای دستیابی به منافع شخصی خود معیارهای عملکردی شرکت را دست‌کاری کنند. بوشمن و اسمیت (۲۰۰۱)، بیان می‌کنند که ابهام ناشی از فعالیت‌های فرار مالیاتی، می‌تواند تضادهای بین مدیران و سهام‌داران را تشدید کند.

برنامه‌ریزی‌های اجتناب از پرداخت مالیات، صرفه‌جویی مالیاتی برای شرکت به ارمغان می‌آورد. با این حال، به طور هم‌زمان پیچیدگی مالی و سازمانی شرکت را افزایش می‌دهد و به حدی می‌رسد که نمی‌توان با بخش‌های خارج از شرکت (مانند سرمایه‌گذاران، بستانکاران و تحلیلگران) به درستی ارتباط برقرار کرد و بدین صورت مشکلات شفافیت گزارشگری مالی افزایش می‌یابد (بیدل و همکاران، ۲۰۱۲)<sup>۳</sup>. به عبارت دیگر، افزایش مشکلات شفافیت سبب به وجود آمدن

1. Managerial Opportunism Theory

2. Desai, M. & Dharmapala, D

3. B Biddle, G. & Hilary, Balakrishnan, K., Blouin, J. & Guay, W

عدم تقارن اطلاعاتی میان سرمایه‌گذاران، سهام‌داران، بستانکاران، مدیران و ... خواهد شد. یکی از هزینه‌های بالقوه برنامه‌ریزی‌های مالیاتی، تأثیر این برنامه‌ها بر روی شفافیت گزارشگری مالی شرکت است. شفافیت کم مجموعه‌ای از هزینه‌ها را بر شرکت تحمیل می‌کند که شامل بالا رفتن هزینه تهیه سرمایه از طریق سهام و بدهی، تشدید مشکلات حاکمیتی و کاهش بهره‌وری سرمایه‌گذاری است (بیدل و هیلاری، ۲۰۰۶؛ لوئیز و ورکچیا، ۲۰۰۰).

### ۳. سابقه پژوهش

چن<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان «اجتناب از مالیات در شرکت‌های بزرگ» به بررسی ارتباط میان میزان شفافیت شرکت و اجتناب از پرداخت مالیات با در نظر گرفتن تضاد منافع بین سهام‌داران و مدیران پرداختند. این محققان از دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش به عنوان معیار شفافیت شرکت و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات به عنوان معیار اجتناب از پرداخت مالیات استفاده کردند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هرچه میزان اجتناب از پرداخت مالیات بیشتر باشد، میزان ابهام در آن شرکت بیشتر است.

چن و همکاران (۲۰۱۰)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «آیا اجتناب مالیاتی در شرکت‌های خانوادگی بیشتر از شرکت‌های غیر خانوادگی است؟» نشان می‌دهند که اجتناب از پرداخت مالیات به طور مثبتی با ریسک سقوط قیمت سهام رابطه دارد. این نتیجه با این دیدگاه که اجتناب از پرداخت مالیات، امکان خارج کردن منافع مدیریتی و پنهان کردن اخبار بد از طریق فراهم کردن ابزارها، نقاب‌ها و حوزه‌هایی برای این رفتار فرصت طلبانه را فراهم می‌کند، سازگاری دارد. پنهان و انباشته کردن اخبار بد طی دوره‌های متوالی ریسک سقوط قیمت سهام را دربر خواهد داشت. به این دلیل که اخبار بد انباشته شده از یک نقطه اوج فراتر می‌روند و همگی یکباره آشکار می‌شوند. به علاوه این محققان بیان کردند که ارتباط مثبت بین اجتناب از پرداخت مالیات و ریسک سقوط قیمت سهام، وقتی شرکت‌ها یک سازوکار نظارت خارجی مانند مالکیت نهادی دارند، ضعیف می‌شود.

گلیسون و میلز<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای تحت عنوان «آیا انجام خدمات مالیاتی حسابرسی باعث ارائه بهبود برآورد هزینه‌های مالیاتی می‌شود؟» به بررسی برآورد ذخیره مالیات شرکت‌ها قبل از قانون سارینز آکسلی ۳۵ پرداختند و دریافتند شرکت‌هایی که خدمات مالیاتی را از حسابرس خود دریافت می‌کنند دارای ذخایر مالیاتی دقیق‌تری هستند. بنابراین در چارچوب تخصص حسابرس انتظار می‌رود که متخصصان صنعت در عمل حسابرسی به احتمال بیشتر دارای توانایی تشخیص و درک تفاوت‌های جزئی و ظریف استراتژی‌های اجتناب مالیاتی باشند. با این حال، این واقعیت معلوم نیست که آیا حضور یک متخصص صنعت با اجتناب مالیاتی کمتر همراه است یا خیر؛ زیرا حسابرسان دارای نقش دوگانه فراهم‌کننده خدمات مالیاتی و حسابرسی برای مشتری هستند.

هوگان و نوگا<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان «ارتباط بین تغییرات در حسابرسی ارائه خدمات مالیاتی و مالیات اجتنابی شرکت» دریافتند شرکت‌هایی که خدمات مالیاتی را از حسابرس دریافت می‌کنند دارای صرفه‌جویی مالیاتی بیشتری هستند. نتایج این پژوهش از مفهوم انتقال دانش حمایت می‌کند و بیان می‌کند که دانش ایجادشده از ارائه خدمات غیرحسابرسی به حسابرسی صورت‌های مالی کمک می‌کند و بالعکس.

مک گوایر<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان «اجتناب از مالیات» به بررسی رابطه تخصص مالیاتی حسابرسان و سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد زمانی که مؤسسات حسابرسی یک متخصص مالیاتی باشند، مشتریان آن‌ها که خدمات مالیاتی را از این مؤسسات دریافت می‌کنند بیشتر درگیر اجتناب مالیاتی هستند. از سوی دیگر، نتایج حاکی از آن بود شرکت‌هایی که مؤسسات حسابرسی آن‌ها متخصص کلی صنعت هستند دارای سطح اجتناب مالیاتی بالاتری نسبت به سایر شرکت‌ها هستند. به عبارت دیگر متخصصان کلی با ترکیب تخصص مالیاتی و مالی خود جهت بهبود و توسعه استراتژی‌های مالیاتی به نفع مشتریان خود از هر دو دیدگاه صورت‌های مالی و مالیاتی کمک می‌کنند.

---

1. Gleason, C., and L. Mills  
2. Hogan, B., and T. Noga  
3. McGuire



بالاکریشنان و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۲)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «آیا اجتناب مالیاتی باعث کاهش شفافیت شرکت می‌شود؟» به این موضوع پرداختند که آیا رویه‌های جسورانه مالیاتی، شفافیت شرکت را کاهش می‌دهد یا خیر. این محققان از معیار عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت سود و خطای پیش‌بینی تحلیلگران به عنوان معیار شفافیت شرکت استفاده کردند. نتایج تحقیق نشان داد که استراتژی جسورانه مالیاتی شفافیت شرکت را کاهش می‌دهد. همچنین مدیران در شرکت‌های با رویه‌های جسورانه مالیاتی تلاش می‌کنند مسئله شفافیت را با افزایش دادن سطح افشای مالیاتی کاهش دهند.

برد و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان «جدایی مالکیت و کنترل و اجتناب از مالیات شرکت» به این موضوع پرداختند که آیا تفکیک مالکیت و کنترل بر فعالیت‌های مالیاتی شرکت‌های خصوصی با ساختارهای مالکیتی متفاوت اثر می‌گذارد یا خیر. نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌های با مالکیت و کنترل متمرکزتر (همان مدیران خطرپذیر) در مقابل شرکت‌های با مالکیت و کنترل غیرمتمرکزتر درصدد کسب درآمدهای ناشی از اجتناب مالیاتی هستند.

گو و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان «اثر اجتناب از مالیات شرکت در هزینه حقوق صاحبان سهام» به بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر هزینه سرمایه شرکت‌ها پرداختند و از سه معیار تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات، تفاوت دائمی سود حسابداری و سود مشمول مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی نقدی بلندمدت به عنوان معیار اجتناب از پرداخت مالیات استفاده کردند. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که هر چه شرکت‌ها در پرداخت مالیات کمتر جسورانه عمل کنند، هزینه کمتری خواهند داشت. بررسی بیشتر نشان می‌دهد که این تأثیر در شرکت‌های با نظارت خارجی بهتر، شرکت‌هایی که منفعت نهایی آن‌ها از صرفه‌جویی مالیاتی بالاتر است و شرکت‌های با کیفیت اطلاعاتی بهتر، قوی‌تر است.

فروغی و احمدی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی رابطه بین ترکیب سهام‌داران و کیفیت ارقام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران» به بررسی رابطه بین ترکیب سهام‌داران و کیفیت ارقام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

1. Balakrishnan et al  
2. Brad A. Badertscher, Sharon P. Katz, Sonja O. Rego  
3. Goh, B. W., Lee, J., Lim, Ch & Shevlin, T.

طی دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ پرداختند. در این پژوهش، از ارزش مطلق خطاهای برآوردی به عنوان نماد کیفیت اقلام تعهدی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد شرکت‌هایی که ترکیب سهام‌داران آن‌ها به طور عمده متشکل از سهام‌داران نهادی است در مقایسه با شرکت‌هایی که ساختار مالکیت آن‌ها به طور عمده دربردارنده سهام‌داران انفرادی است، دارای کیفیت اقلام تعهدی بالاتری هستند.

عرب مازار و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تبیین رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی و گزارشگری مالیاتی در ایران» به تبیین رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی با گزارشگری مالیاتی در ایران پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها بیان‌کننده وجود یک رابطه مثبت بین گزارشگری مالیاتی و شفافیت گزارشگری مالی است. به طوری که در صورت تهیه گزارشگری مالیاتی به ضمیمه گزارشگری مالی، شفافیت گزارشگری مالی تا حدود زیادی تأمین خواهد شد.

فروغی و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تأثیر فرار مالیاتی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» به بررسی تأثیر فرار مالیاتی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام پرداختند. این محققان از تفاوت سود مشمول قطعی شده و سود مشمول مالیات واقعی به عنوان معیار فرار مالیاتی استفاده کردند. نتایج تحقیق نشان داد که فرار مالیاتی به ریسک سقوط آتی قیمت سهام منجر می‌شود. به این مفهوم، در شرایطی که شرکت فعالیت‌هایی را برای فرار از مالیات انجام می‌دهد، به دلیل آنکه این فعالیت‌ها مستلزم استفاده از یک سیستم گزارشگری مبهم و پیچیده است، توانایی مدیران برای نگهداری و انباشت اطلاعات منفی در داخل شرکت افزایش و در نتیجه ریسک سقوط آتی قیمت سهام افزایش می‌یابد.

پورحیدری و برهانی‌نژاد (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی تأثیر خصوصیات اصول راهبردی شرکت‌ها بر مدیریت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» به بررسی تأثیر خصوصیات اصول راهبردی شرکت‌ها بر مدیریت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. خصوصیات اصول راهبردی شرکت در تحقیق آن‌ها شامل اندازه هیئت مدیره، ترکیب هیئت مدیره، دوگانگی مدیرعامل و اندازه مؤسسه حسابرسی بود. نتایج آن‌ها حاکی از وجود یک رابطه منفی بین ترکیب هیئت مدیره و اندازه مؤسسه حسابرسی با مدیریت

مالیات بود. همچنین میان دوگانگی مدیرعامل و مدیریت مالیات رابطه مثبتی وجود دارد. با این حال، بین اندازه هیئت مدیره و مدیریت مالیات رابطه معناداری مشاهده نشد.

پورحیدری و سروستانی (۱۳۹۲)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران» با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۷۵ شرکت در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ به شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر مدیریت مالیات پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که از بین ویژگی‌های خاص شرکت، اندازه شرکت به طور منفی نرخ مؤثر مالیاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین بین نسبت بدهی، شدت سرمایه‌گذاری در موجودی کالا و شدت سرمایه‌گذاری در دارایی ثابت با نرخ مؤثر مالیاتی رابطه‌ای مثبت و معنادار مشاهده شد. با وجود این، نتایج تحقیق بیان‌کننده آن بود که بین فرصت‌های رشد و عمر شرکت با نرخ مؤثر مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین نتایج تحقیق گواه آن بود که مالکیت نهادی به طور منفی نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

خانی و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران» به بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان داد که بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت، ارتباط معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، شرکت‌هایی که حسابرس آن‌ها متخصص صنعت باشد دارای نرخ مؤثر مالیات کمتر، نرخ مؤثر مالیات نقدی کمتر و تفاوت دفتری مالیات بیشتری نسبت به شرکت‌هایی هستند که حسابرس آن‌ها متخصص صنعت نیست. این امر نشان‌دهنده سطح بالای اجتناب مالیاتی در شرکت‌های دارای حسابرس متخصص در صنعت است.

خواجوی و کیامهر (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران» به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرس و حسابرسی با اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نمونه انتخابی شامل ۱۳۰ شرکت بود. نتایج نشان داد که کیفیت حسابرس (اندازه مؤسسه حسابرسی) بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های بورسی بر اساس هزینه مؤثر مالیاتی و تفاوت دفتری مالیات، تأثیر مستقیم و معنی‌دار دارد. این در حالی است که کیفیت حسابرسی (دوره تصدی

حسابرس) بر اجتناب مالیاتی شرکت های بوری تنها بر اساس هزینه مؤثر مالیاتی تأثیر مستقیم و معنی دار دارد.

خدمای پور و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی رابطه بین اجتناب از پرداخت مالیات و میزان نگهداشت وجه نقد با لحاظ شرایط محدودیت مالی» به بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و میزان نگهداشت وجه نقد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. معیار مورد استفاده جهت سنجش اجتناب از پرداخت مالیات، تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات است. نمونه آماری تحقیق شامل ۷۵ شرکت از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۱ - ۱۳۹۰ است و برای آزمون فرضیه های تحقیق از روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی و داده های پانل استفاده شده است. نتایج نشان داد که میان اجتناب از پرداخت مالیات و نگهداشت وجه نقد رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر شرکت هایی که از پرداخت مالیات اجتناب می کنند، میزان وجه نقد بیشتری دارند. همچنین در شرکت هایی که با محدودیت مالی روبرو هستند، این رابطه قوی تر است.

#### ۴. تصریح مدل

در این مقاله با استفاده از مبانی نظری و مطالعه بالا کریشنان و همکاران (۲۰۱۲) و با توجه به متغیرهای مختلف تأثیرگذار بر گزارشگری مالی برای بررسی میزان تأثیرگذاری اجتناب مالیاتی بر تأخیر در گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با تعدیلاتی از مدل (۱) استفاده شده است.

(۱)

$$ACCR_{it} = \beta_0 + \beta_1 M\_B_{it} + \beta_2 RATIO_{it} + \beta_3 QR_{it} + \beta_4 INV_{it} + \beta_5 TOTALASSET_{it} + \beta_6 ETR_{it} + \beta_7 Debt_{it} + \varepsilon_{it}$$

در این معادله:

$ACCR_{it}$ : پسماند ارقام تعهدی شرکت  $i$  در سال  $t$  به عنوان شاخص تأخیر در گزارشگری مالی؛

$M\_B_{it}$ : نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

$RATIO_{it}$ : بازدهی سهام شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

$QR_{it}$ : نسبت آنی شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

$INV_{it}$ : گردش موجودی کالا شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

$TOTALASSET_{it}$ : گردش کل دارایی‌ها شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

$ETR_{it}$ : نرخ مؤثر مالیاتی شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

$Debt_{it}$ : نسبت بدهی شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

$\varepsilon_{it}$ : جمله خطای معادله؛

$i$  و  $t$  نشان‌دهنده شرکت و زمان هستند.

در این مقاله به پیروی از دیرنگک<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۹)، از نرخ مؤثر مالیاتی برای محاسبه اجتناب مالیاتی (ETR)<sup>۲</sup> استفاده شده است. که به صورت زیر محاسبه شده است.

$$ETR = \frac{TotalTaxExpense_{it}}{PreTaxIncome_{it}} \quad (۲)$$

که  $PTI_{it}$ <sup>۳</sup> کل هزینه مالیات شرکت  $i$  در سال  $t$  و  $TTE_{it}$ <sup>۴</sup>، بیان‌کننده سود قبل از مالیات شرکت  $i$  در سال  $t$  است.

همچنین در این مقاله از قدرمطلق پسماند اقلام تعهدی به عنوان معیار شفافیت گزارشگری مالی استفاده شده است. هر میزان قدرمطلق پسماند اقلام تعهدی بیشتر باشد، کیفیت اقلام تعهدی پایین‌تر است. شرکت‌های با کیفیت اقلام تعهدی نامناسب، محیط عملکردی متغیر و ناپایدار خواهند داشت و پیش‌بینی سود در آن‌ها دشوارتر خواهد بود. بنابراین، کیفیت اقلام تعهدی پایین‌تر با کیفیت سود پایین‌تر و عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر مرتبط خواهد بود (بارس و کاسنیک،<sup>۵</sup> ۱۹۹۹). برای به دست آوردن پسماند اقلام تعهدی از مدل کاسنیک (۱۹۹۹) استفاده شده است. در این رابطه اقلام تعهدی ( $ACCR_{it}$ ) است که به صورت مدل زیر محاسبه می‌شود:

$$ACCR_{it} = EARN_{it} - CFO_{it} \quad (۳)$$

$EARN_{it}$ : سود ناشی از فعالیت‌های عملیاتی

$CFO_{it}$ : جریان نقدی ناشی از فعالیت‌های عملیاتی

1. Dyreng, S. D., Hanlon, M., Maydew, E. L  
 2. Effective Tax Rate  
 3. Total Tax Expense  
 4. Pre Tax Income  
 5. Barth, M. & Kasznik, R

### ۵. برآورد مدل و نتایج

به منظور تخمین معادله (۱) ابتدا لازم است تا نوع روش تخمین جهت نوع خاص داده‌های پانل تعیین شود. بنابراین ابتدا برای تعیین وجود (عدم وجود) عرض از مبدأ جداگانه برای هر یک از کشورهای از آماره F استفاده شده است. با توجه به میزان آماره F محاسبه شده در جدول (۱) فرضیه صفر مبنی بر استفاده از روش حداقل مربعات معمولی رد می‌شود. در نتیجه رگرسیون مقید (حداقل مربعات معمولی) دارای اعتبار نیست و باید عرض از مبدأهای مختلفی (روش اثرات ثابت یا تصادفی) را در مدل لحاظ نمود. سپس برای آزمون اینکه مدل با بهره‌گیری از روش اثرات ثابت یا تصادفی برآورد گردد، از آزمون هاسمن استفاده شد. انجام این آزمون با استفاده از نرم‌افزار EViews انجام گرفت. با توجه به میزان آماره  $\chi^2$  به دست آمده از انجام محاسبات برای این رگرسیون در جدول (۱) روش اثرات ثابت در تخمین مدل مورد استفاده قرار گرفت که نتایج مربوط به آن‌ها در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج برآورد تأثیر اجتناب مالیاتی بر تأخیر در گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به روش اثرات ثابت (متغیر وابسته: تأخیر در گزارشگری مالی)

متغیرهای توضیحی	ضرایب	(P - Value)
C	۰.۳۸۹۱۸۱	۰.۳۸۶۱
RATIO	۰.۱۵۱۲۱۸	۰.۰۰۰۰
QR	-۴.۵۱۰۶	۰.۰۰۴۶
Debt	۰.۰۶۵۷۱۳	۰.۰۰۰۰
MB	-۰.۱۴۳۸۶۲	۰.۰۰۰۵
ETR	۰.۵۰۱۲۶۶	۰.۰۰۱۹
INV	-۱.۳۷۰۷	۰.۰۰۰۰
TOTALASSET	۳.۹۲۰۹	۰.۰۰۰۲
R <sup>2</sup>	۰.۷۴۷۰۵۶	
Durbin-Watson stat	۲.۸۳۵۲۴۴	
آماره F	F(47,171)= 2.799139	P-value= 0.0000
آماره هاسمن	CHISQ(7)= 59.413521	P-value=0.0000

مأخذ: محاسبات پژوهش

نتایج حاصل از برآورد رگرسیون (۱) به روش اثرات ثابت در دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۸ در نشان می‌دهد:

- نرخ مؤثر مالیاتی ETR به عنوان شاخص اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت ارقام تعهدی به عنوان شاخص تأخیر گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. بنابراین فرضیه مربوط به ارتباط مثبت و معنادار میان اجتناب مالیاتی و تأخیر گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را نمی‌توان رد کرد.
- نسبت آنی شرکت‌ها QR (نسبت مجموع دارایی‌های جاری منهای موجودی مواد و کالا تقسیم بر جمع بدهی‌های جاری) تأثیر منفی و معناداری بر کیفیت ارقام تعهدی به عنوان شاخص تأخیر گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. به عبارت دیگر شرکت‌هایی که با نسبت آنی کمتری روبرو هستند، دارای تأخیر در گزارشگری بالاتری هستند.
- گردش موجودی کالای شرکت‌ها INV تأثیر منفی و معناداری بر کیفیت ارقام تعهدی به عنوان شاخص تأخیر گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. شرکت‌هایی که دارای گردش موجودی کالای بالاتری هستند، تأخیر کمتری در گزارش کردن اطلاعات مالی دارند.
- گردش کل دارایی‌های شرکت TOTALASSET تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت ارقام تعهدی به عنوان شاخص تأخیر گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. به طوری که شرکت‌هایی با گردش کل دارایی‌های بالاتر دارای تأخیر بیشتری در گزارش کردن اطلاعات مالی دارند.
- نسبت بدهی شرکت Debt (اهرم مالی که معرف مدیریت بدهی) تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت ارقام تعهدی به عنوان شاخص تأخیر گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. هر چه شرکت در ساختار سرمایه خود از بدهی بیشتری استفاده کرده باشد، با تأخیر بیشتری گزارش‌های مالی خود را منتشر کرده است. (مهدوی و جمالیان‌پور، ۱۳۸۹).

- بازدهی سهام شرکت RATIO تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت ارقام تعهدی به عنوان شاخص تأخیر گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. تأخیر زمانی گزارشگری مالی با بازدهی سالانه سهام رابطه معکوس دارد؛ بدین معنا که شرکت‌های دارای بازدهی سهام بالاتر دارای تأخیر در گزارشگری مالی پایین‌تری هستند.
- نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت MB تأثیر منفی و معناداری بر کیفیت ارقام تعهدی به عنوان شاخص تأخیر گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. شرکت‌هایی که ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سرمایه بالاتری دارند، از تأخیر در گزارشگری مالی کمتری برخوردارند.
- مقدار ضریب تعیین در مدل نشان داد که بیش از هفتاد درصد از تغییرات تأخیر گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده شده است.

## ۶. پیشنهادها

با توجه به نتایج به دست آمده در چهارچوب این مطالعه پیشنهاد می‌شود که نهادهای قانون‌گذار قوانینی را تصویب کنند که شرکت‌ها را ملزم کند تا فعالیت‌ها و رویه‌های مالیاتی خود را به صورت شفاف‌تری افشا کنند؛ به طور مثال، صورت تطبیق سود حسابداری و سود مشمول مالیات را تهیه کنند تا اطلاعاتی مفید و قابل اتکا برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی فراهم شود.



## منابع

- پورحیدری، امید؛ سروستانی، امیر (۱۳۹۲). «شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر مدیریت مالیات». *مجله دانش حسابداری*. سال چهارم. شماره ۱۲.
- پورحیدری، امید؛ برهانی نژاد، سعیده (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر خصوصیات اصول راهبردی شرکت‌ها بر مدیریت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». *مجله دانش حسابداری*. سال دوازدهم. شماره ۴۹.
- پورحیدری، امید (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، سال چهاردهم. شماره ۵۲. صص ۶۹-۸۵.
- پورزمانی، زهرا (۱۳۸۸). «بررسی دلایل اختلاف بین درآمد مشمول مالیاتی ابرازی شرکت‌های بازرگانی و درآمد مشمول مالیات تشخیصی توسط واحدهای مالیاتی (مطالعه موردی اداره کل امور مالیاتی غرب تهران)». *فصلنامه تخصصی مالیات*. دوره جدید. شماره پنجم (مسلسل ۵).
- ثقفی، علی؛ عرب مازار یزدی، مصطفی (۱۳۸۹). «کیفیت گزارشگری مالی و ناکارایی سرمایه‌گذاری». *پژوهش‌های حسابداری مالی*. سال دوم. شماره ۴. صص ۱-۲۰.
- خانی، عبدالله (۱۳۹۲). «بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». *دانش حسابداری*. سال سیزدهم. شماره ۵۱. صص ۴۳-۶۸.
- خدای پور، احمد (۱۳۹۴). «بررسی رابطه بین اجتناب از پرداخت مالیات و میزان نگهداشت وجه نقد با لحاظ شرایط محدودیت مالی». *مجله علمی پژوهشی دانش حسابداری مالی*. دوره ۲. شماره ۱. صص ۶۷-۸۲.
- خواجه‌جوی، شکرالله؛ کیامهر، محمد (۱۳۹۴). «بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». *پژوهشنامه مالیات*. شماره بیست و ششم (مسلسل ۷۴). صص ۸۷-۱۰۸.

- عرب مازار، محمد؛ طالب‌نیا، قدرت‌اله؛ وکیلی‌فرد، حمیدرضا؛ صمدی، محمود (۱۳۹۰). «تبیین رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی و گزارشگری مالیاتی در ایران». فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی. شماره ۹.
- فروغی، داریوش؛ میرزایی، منوچهر؛ رسائیان، امیر (۱۳۹۱). «تأثیر فرار مالیاتی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران». پژوهشنامه مالیات. شماره ۱۳.
- مدرس، احمد؛ حصارزاده، رضا (۱۳۸۷). «کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری». فصلنامه بورس اوراق بهادار. سال اول. شماره ۲. صص ۸۵-۱۱۶.
- مهدوی، غلامحسین؛ جمالیان‌پور، مظفر (۱۳۸۹). «بررسی عوامل مؤثر بر سرعت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران». پژوهش‌های حسابداری مالی. سال دوم. شماره ۴. صص ۸۹-۱۰۸.
- Balakrishnan, K., Blouin, J. & Guay, W (2012), "Does Tax Aggressiveness Reduce Corporate Transparency?", Working Paper, University of Pennsylvania.
- Barth, M. & Kasznik, R (1999), "Share Repurchases and Intangible Assets", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 28.
- Biddle, G. & Hilary, G (2006), "Accounting Quality and Firm-level Investment", *The Accounting Review*, Vol. 81.
- Biddle, G. C.; Hilary, G. and Rodrig, S. Verdi (2009), "How does financial reporting quality relate to investment efficiency?", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 48 (2/3), PP. 112-131.
- Brad A. Badertscher, Sharon P. Katz, Sonja O. Rego (2013), "The Separation of Ownership and Control and Corporate Tax Avoidance", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 56, PP. 228-250.
- Chen, C. J. P., Y. Ding, and C. Kim (2011), "Political connection, legal enforcement and analysts' forecast characteristics". Working paper, City University of Hong Kong.
- Chen, S., Chen, X., Cheng, Q. & Shevlin, T (2010), "Are Family Firms More Tax Aggressive than Nonfamily Firms?", *Journal of Financial Economics*, Vol. 95.
- Chen, Y., Huang, SH., Pereira, R. & Wang, J (2009), "Corporate Tax Avoidance and Firm Opacity", Discussion Paper.
- Desai, M. & Dharmapala, D (2009), "Earnings Management, Corporate Tax Shelters, and Book-Tax Alignment", *National Tax Journal*, Vol. 62.
- Desai, M., and D. Darmapala (2006), "Corporate tax avoidance and high powered incentives", *Journal of Financial Economics*, Vol. 79, PP. 145-179.

- **Desai, M., and D. Darmapala** (2009), "Corporate tax avoidance and firm value", *Review of Economics and Statistics*, Vol. 91, PP. 537-546.
- **Desai, M., Dharmapala, D., Fung, W.** (2007), "Taxation and the evolution of aggregate corporate ownership concentration", Cambridge University Press, New York, PP. 345-383.
- **Dyreng, S. D., Hanlon, M., Maydew, E. L** (2009), "The Effects of Executives on Corporate Tax Avoidance", Working Paper.
- **Gleason, C., and L. Mills** (2011), "Do auditor-provided tax services improve the estimate of tax expense?", *Contemporary Accounting Research*, Vol. 28 (5), PP. 1484-1509.
- **Goh, B. W., Lee, J., Lim, Ch & Shevlin, T.** (2013). "The Effect of Corporate Tax Avoidance on the Cost of Equity", Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2237742>.
- **Hanlon, M. & J. Slemrod** (2009), "What Does Tax Aggressiveness Signal? Evidence from Stock Price Reactions to News about Tax Shelter Involvement", *Journal of Public Economics*, Vol. 93.
- **Hanlon, M., J. Hoopes, and N. Shroff** (2011), "The effect of tax enforcement on financial reporting quality", Working paper. University of Michigan.
- **Hanlon, M., and S. Heitzman** (2009), "A review of tax research", Working Paper (online), [www.ssrn.com](http://www.ssrn.com)
- **Hanlon, M., and S. Heitzman** (2010), "A review of tax research", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 50 (2- 3), PP. 127-178.
- **Hogan, B., and T. Noga.** (2012). "The Association between Changes in Auditor Provided Tax Services and Corporate Tax Avoidance", Working paper, Northeastern University and Bentley University.
- **Kim, J.B., Li, Y. & Zhang, L** (2010), "Corporate Tax Avoidance and Stock Price Crash Risk: Firm-Level Analysis", *Journal of Financial Economics*, Vol. 100.
- **McGuire, Sean T., Thomas C. Omer and Dechun Wang** (2012). "Tax Avoidance: Does Tax-Specific Industry Expertise Make a Difference?" *The Accounting Review*, Vol. 87 (3), PP. 975-1003.